

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کارل مارکس
برگردان: شهرام فلاح
فرستنده: علی مشرف
۱۳ مارچ ۲۰۲۳

چه کسانی مرتکب جنایت شدند؟

نشریات انگلیس در برابر نقض ظالمانه معاهده ای که هر روزه توسط خارجیان ساکن چین و تحت حمایت بریتانیا صورت می گیرد چقدر ساکت اند! ما چیزی راجع به ممنوعیت تجارت تریاک که هر ساله خزانه داری بریتانیا به بهای نابودی زندگی و اخلاق انسانی از آن تغذیه می کند، نمی شنویم. ما چیزی راجع به رشوت خواری مداوم مقامات دون پایه، که به واسطه آن درآمد واقعی دولت چین حاصل از ورودی و خروجی کالاها، به تاراج می رود، نمی شنویم. ما چیزی راجع به ستم هائی که "حتی تا سرحد مرگ" در حق مهاجران فریب خورده و اسیری شد که برای شرایطی بدتر از برده داری به سواحل پرو و برده داران کوبا فروخته شدند، نمی شنویم.

تنها چند سال پیش، هنگامی که در پارلمان از سیستم دهشتناک شکنجه در هند پرده برداشته شد، سر جیمز هاگ، یکی از مدیران شرکت پر افتخار هند شرقی، با گستاخی تمام اعلام کرد که این اظهارات بی اساس اند. با این حال، تحقیقات بعدی نشان داد این اظهارات بر پایه فاکت هائی استوارند که باید برای این مدیران روشن بوده باشند. بنابراین واکنش سر جیمز در رابطه با اتهاماتی که بر دوش شرکتش سنگینی می کند تأییدی است بر این که وی یا "جهل خود خواسته" را برگزیده یا این که از وقوع جرم اطلاع دارد اما از بیان آن سر باز می زند. به نظر می رسد لرد پالمستون، نخست وزیر فعلی انگلیس، و اِرل کلارندون، وزیر امور خارجه، نیز در موقعیت بحرانی مشابهی قرار گرفته اند. چنانچه نخست وزیر در ضیافتی که اخیراً شهردار لندن تدارک دیده بود، در سخنرانی اش برای توجیه جنایاتی که بر چین روا شده عنوان کرد:

"اگر دولت در این مورد، بر اقدامات غیر قابل توجیه صحه می گذاشت، بدون شک آنها مسیری را دنبال می کردند که موجبات شرمساری مجلس و کشور فراهم می شد. اما به عکس، ما متقاعد شدیم که این اقدامات ضروری و حیاتی اند. ما احساس کردیم بشدت در حق کشورمان اجحاف شده است. ما احساس کردیم هموطنان مان در آن سوی دنیا در معرض سلسله ای از توهین ها، بی حرمتی ها و جنایاتی قرار گرفته بودند که نمی توان با سکوت از کنارشان گذشت (حضار تشویق می کنند). ما احساس کردیم حقوق معاهده ای کشورمان پایمال شده بود، و واکنش کسانی که در محل مسؤل پیش برد منافع مان در آن بخش از جهان اند نه تنها قابل توجیه است بلکه حتی موظف بودند تا جایی که در حوزه اختیارشان قادر به انجام آن اند در مقابل این تجاوزات به دفاع برخیزند. ما احساس کردیم به اعتماد شهروندان

کشورمان که به ما اتکاء کردند خیانت می شود اگر اقداماتی را که به زعم خود درست می دانستیم تأیید نمی کردیم، و اگر ما هم در همان شرایط قرار می گرفتیم، باید این را وظیفه خود می پنداشتیم که همان اقدامات را در پیش بگیریم (حضار تشویق می کنند)".

اکنون، اگرچه اکثر مردم انگلیس و در مقیاسی گسترده تر مردم جهان ممکن است فریب چنین اظهارات موجه نمائی را بخورند، اما شخص رئیس مجلس قطعاً درستی آن ها را تأیید نمی کند، زیرا اگر چنین کند نشان داده که جهل خود خواسته تقریباً به اندازه اطلاع از وقوع جرم و عدم بیان آن، غیر قابل توجیه است. از زمانی که اولین گزارش درباره خصومت انگلیس علیه چین به دست ما رسیده تا لحظه حاضر، ژورنال های دولتی انگلیس و بخشی از نشریات امریکائی سرشار از اتهامات گوناگون علیه چین اند. اتهامات گسترده ای در رابطه با نقض تعهدات معاهده- توهین به پرچم انگلیس- تحقیر خارجیانی که در خاک آن ها ساکن اند و نظایر آن؛ با این حال هنوز هم نمی توان یک اتهام مشخص را مطرح کرد یا واقعه ای را نام برد که قادر باشد این اتهامات را تأیید کند، به جز مورد لورشا آرو، در رابطه با این پرونده نیز باید اذعان داشت که پارلمان بیانی بسیار کژدیده از وقایع را ارائه داده و با لفاظی های خاص خود به قدری آن را تحریف کرده تا کسانی را که واقعاً مشتاق اند از چند و چون موضوع سر در بیاورند گمراه کند.

لورشا آرو یک کشتی کوچک چینی بود، این کشتی را چینی ها اداره می کردند، اما [خدمه چینی] توسط انگلیس ها به کار گمارده شده بودند. مجوز حمل پرچم انگلیس موقتاً به این کشتی اعطا شده بود، مجوزی که پیش از آن که مورد اتهام قرار گیرد منقضی شده بود. طبق گفته ها این کشتی برای قاچاق نمک مورد استفاده قرار می گرفت، و آدم های بسیار نابکاری بر عرشه آن مشغول به کار بودند- دزدان بحری چینی و قاچاقچیان- افرادی که مقامات قضائی مدت های طولانی در تلاش بودند تا آنان را به علت نقض قانون دستگیر کنند. هنگامی که با بادبان های بسته و بدون هیچ پرچمی در مقابل کانتون لنگر می انداخت پلیس از حضور این خلافکاران بر عرشه کشتی مطلع شد و آن ها را دستگیر کرد. دقیقاً مشابه این اقدام قبلاً در این جا اتفاق افتاده است، زمانی که پلیس از حضور کشتی مشکوک بومی یا خارجی دزدان بحری و قاچاقچیان در بنادر اطراف ما مطلع شده بود. اما از آن جایی که این دستگیری مانع تجارت صاحبان سرمایه می شد، کاپیتان کشتی به کنسولگری انگلیس رفت و شکایت کرد. کنسول، مرد جوانی است که بتازگی به این سمت منصوب شده، و آن طور که به اطلاع ما رسیده، فردی کج خلق و آتشی مزاج است. وی شخصاً (بی آن که لازم بداند به دادگاه مراجعه کند) با عجله وارد عرشه کشتی می شود و با پولیسی که صرفاً وظیفه ساده خود را انجام داده وارد درگیری لفظی شدیدی می شود. آخر سر که می داند راه به جایی نمی برد از آن جا شتابان به کنسولگری برمی گردد. او درخواستی فوری به منظور اعاده حیثیت و معذرت خواهی برای فرماندار کل استان کوانگ تونگ ارسال می کند. هم چنین یادداشتی را برای سر جان بورینگ و دریادار سیمور در هانگ کانگ می نویسد و بیان می کند که خودش و پرچم کشورش به طرز غیر قابل تحملی مورد اهانت قرار گرفته اند و با عباراتی خیلی کلی اظهار می دارد که اکنون زمان آن است که علیه کانتون اقدام کنیم، امری که مدت های طولانی در انتظارش به سر می بردیم.

فرماندار یه (Yeh)، مودبانه و با خونسردی تمام به خواسته های متکبرانۀ کنسول جوان هیجان زده بریتانیائی پاسخ می دهد. وی دلیل دستگیری را توضیح می دهد و بابت هر گونه سوءتفاهمی که در رابطه با این موضوع صورت گرفته ابراز تأسف می کند؛ وی در عین حال کوچک ترین قصد توهین به پرچم انگلیس را بدون اما و اگر محکوم می کند و بیان می کند که این افراد اگر چه طبق قانون دستگیر شده اند اما با این حال آن ها را آزاد می کند زیرا مایل نیست به بهای ایجاد یک سوءتفاهم خیلی جدی این افراد زندانی شوند. اما این امر نیز موجبات رضایت خاطر کنسول-آقای پارکس- را فراهم نمی آورد. او باید یک معذرت خواهی رسمی ارائه دهد و به گونه ای رسمی تر اعاده حیثیت کند، در

غیر این صورت فرماندار یه باید مسؤولیت عواقب آن را به عهده بگیرد. پس از آن که دریابان سیمور با ناوگان بریتانیایی از راه می رسد، مکاتبات دیگری آغاز می شود، مکاتباتی که از جانب دریابان متعصبانه و تهدیدآمیز به نگارش در می آید و از جانب مقامات چینی با خونسردی، به دور از احساسات و مؤدبانه پاسخ داده می شود. دریابان سیمور درخواست یک ملاقات شخصی در داخل کانتون را می دهد. فرماندار یه، در مقابل بیان می کند که این خلاف تمام رویه های سابق ما است و سر جورج بونهام نیز در این رابطه موافقت کرده بود که چنین امری نباید تحمیل گردد. البته او [فرماندار یه] با کمال میل حاضر بود تا در صورت لزوم و طبق معمول در خارج از شهر به ملاقات دریابان برود و خواسته هایش را به هر طریق دیگری که با سنت و آداب موروثی چینی ها مغایرت نداشته باشد، برآورده کند. اما این شایسته نماینده جنگ طلب قدرت بریتانیا در شرق نبود.

بنا به دلایلی که مختصراً بیان شد- همچنین بر اساس گزارش های رسمی که اکنون به اطلاع مردم انگلیس رسیده، به طور کامل می توان این ادعا را تأیید کرد که این ناعادلانه ترین جنگی است که بر پا شده. شهروندان غیر دخیل و تاجران مسالمت جوی کانتون به قتل رسیدند، خانه هایشان با خاک یکسان و [تمام] داعیه های انسانیت نقض شدند. همه این ها به این بهانه واهی که "زندگی و اموال انگلیس ها به واسطه اقدامات تجاوزکارانه چینی ها به خطر افتاده است!" صورت گرفت. دولت بریتانیا و مردم بریتانیا-دست کم، آنهایی که تصمیم به بررسی این مسأله گرفته اند-می دانند که این اتهامات چقدر نادرست و توخالی هستند. تلاش شده تا تحقیقات صورت گرفته در این رابطه از موضوع اصلی منحرف شود و افکار عمومی تحت تأثیر این ایده قرار بگیرد که قبل از حادثه لورشا آرو، خسارت های متوالی طولانی، از جانب چینی ها به بریتانیایی ها وارد شده است، تا از این طریق علت وقوع جنگ توجیه شود. اما تمامی این ارزیابی ها بی پایه و اساس اند. زیرا اگر بنا بر شکوه کردن باشد به ازای هر زخمی که انگلیس ها متحمل شده اند، چینی ها حداقل ۹۹ بار زخم خورده اند.

نشریات انگلیس در برابر نقض ظالمانه معاهده ای که هر روزه توسط خارجیان ساکن چین و تحت حمایت بریتانیا صورت می گیرد چقدر ساکت اند! ما چیزی راجع به ممنوعیت تجارت تریاک که هر ساله خزانه داری بریتانیا به بهای نابودی زندگی و اخلاق انسانی از آن تغذیه می کند، نمی شنویم. ما چیزی راجع به رشوت خواری مداوم مقامات دون پایه، که به واسطه آن درآمد واقعی دولت چین حاصل از ورودی و خروجی کالاها، به تاراج می رود، نمی شنویم. ما چیزی راجع به ستم هائی که "حتی تا سرحد مرگ" در حق مهاجران فریب خورده و اسیری شد که برای شرایطی بدتر از برده داری به سواحل پرو و برده داران کوبا فروخته شدند، نمی شنویم. ما چیزی راجع به روحیه تجاوزکارانه ای که علیه طبیعت محبوب چینی ها اعمال می شود، یا از بی اخلاقی هائی که خارجیان همراه خود به بنادری می آورند که مخصوص تجارت شان است، نمی شنویم. ما چیزی را جمع به همه این ها و فراتر از این ها نمی شنویم، زیرا اولاً، اکثریت مردمی که چینی نیستند اهمیت چندانی به شرایط اجتماعی و اخلاقی این کشور نمی دهند؛ و ثانیاً، این بخشی از سیاست و عقل سلیم است که آن دسته از موضوعاتی که هیچ گونه منفعت مالی از آن حاصل نمی شود، مطرح نشوند. بنابراین، مردم انگلیس در کشور خودشان، که فراتر از بقالی که چای مورد نیازشان را از آن می خردند، نمی بینند، حاضرند تا هر نوع وارونه نمائی که از جانب وزارت و نشریات به خورد عموم می دهند، را ببلعند.

با این حال، در چین، نفرت علیه انگلیس ها، آتش زیر خاکستری بود که در طی جنگ تریاک برافروخت و به شعله ای از خصومت بدل شد که به احتمال زیاد هیچ گونه پیمان صلح و دوستی یارای خاموش کردنش را نخواهد داشت. بنابراین، برای خاطر تعاملات [آنییی] مسیحی و اقتصادی با چین، بهترین راه ممکن آن است که خود را بیرون

از این نزاع نگه داریم و چینی ها نباید ببیندارند که همه ملت های دنیای غرب در یک اتحاد خائنانه علیه آنان صف کشیده اند.

کارل مارکس

۱۰ اپریل ۱۸۵۷

<https://www.marxists.org/archive/marx/works/1857/04/10.htm>